

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۵ (پیاپی ۴۹)
(ویژه‌نامه علوم تربیتی)

ضرورت تغییر، انعطاف و نو آوری در روز شمار تحصیلی مدارس متوسطه‌ی نظری

دکتر احمد رضا نصر* اکرم السادات صافی** محمد رضا نیلی***
دانشگاه اصفهان مراکز تربیت معلم دانشگاه اصفهان

چکیده

این پژوهش در صدد است تا ضرورت بازنگری، اصلاح و انعطاف در روز شمار تحصیلی را از جنبه‌های مختلف مانند مدت و زمان تعطیلات و نحوه‌ی توزیع زمان آموزش طی روز و هفته‌ی تحصیلی بررسی نماید. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و جامعه‌ی آماری آن، سه گروه دبیران، مدیران و کارشناسان دوره‌ی آموزش متوسطه‌ی شهرهای اصفهان و یزد است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای متناسب با حجم، ۱۸۰ دبیر و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، ۳۵ مدیر از جامعه‌ی آماری انتخاب گردید. برای جمع‌آوری داده‌ها از نمونه‌ی مدیران و دبیران پرسشنامه استفاده شده است. از مصاحبه‌ی نیمه سازمان یافته نیز برای جمع‌آوری داده‌های کیفی از نمونه‌ی کارشناسان (۱۶ نفر) استفاده شد. داده‌های کمی در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی و داده‌های کیفی با روش مقوله‌بندی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های به دست آمده از پژوهش نشان داد که با توجه به تنوع شرایط اقلیمی به ویژه دما و شرایط مختلف آموزشی، اجتماعی و اقتصادی کشور، انعطاف در زمان شروع و پایان روز و سال تحصیلی ضروری است. همچنین، کاهش مدت زمان تعطیلات رسمی طی سال تحصیلی و در تعطیلات تابستان و توزیع مناسب زمان‌های آموزش و تعطیلات طی روزهای هفته و سال تحصیلی، از جمله تغییراتی است که می‌تواند در بهبود عملکرد نظام آموزشی مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: ۱. روز شمار تحصیلی ۲. آموزش متوسطه ۳. زمانبندی آموزش.

* دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

** کارشناس ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی

*** عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

۱. مقدمه

یکی از عمده‌ترین فعالیت‌های سازمانی، سازگاری و تطابق است که بیانگر ضرورت و اهمیت پویایی و تغییر در سازمان است. رسالت آموزش و پرورش در زمینه‌ی سازگاری و تطابق حساستر و حیاتی‌تر از دیگر سازمان‌های اجتماعی است، زیرا در حالی که باید نسبت به نیازهای جامعه پاسخگو بوده، با آن سازگاری داشته باشد و وظیفه‌ی عمده‌ی زمینه‌سازی و ایجاد تغییر و تحول را نیز بر عهده دارد. پیداست که موفقیت آموزش و پرورش در زمینه‌ی سازگاری و تطابق با محیط پیرامون و همچنین زمینه‌سازی تغییر و تحول در جامعه، بستگی به آن دارد که نظام آموزش و پرورش خود از پویایی لازم برخوردار باشد و تغییرات و اصلاحات لازم به طور پیوسته در آن صورت گیرد (پرداختچی، ۱۳: ۱۳۷۹). در گذشته به دلیل این‌که روند تغییرات در حیطه‌های مختلف زندگی به کندی صورت می‌گرفت، پس از شکل‌گیری نهاد متناسب با نیازهای جامعه، تشکیلات، قوانین و مقررات مربوط، برای دوره‌های طولانی تثبیت می‌گردید. بدین ترتیب، این نهاد در دیگر ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه جذب می‌گردید و از این رو ایجاد دگرگونی در آن کاری بس دشوار بوده و هر نوع تغییر، با چالش‌ها، تنش‌ها، مقاومت‌ها و مخالفت‌های گسترده همراه بود. این امر در مورد نهاد یا نظام آموزش و پرورش هم مصداق دارد؛ چنان‌که مورفی^۱ (۱۹۹۳؛ به نقل از مونچ^۲، ۲: ۲۰۰۱) در این‌باره می‌گوید: در نظام آموزش و پرورش برخی چیزها را باید ارزشمند شمرد و آن‌ها را حفظ نمود، اما مسأله‌ی حیرت‌انگیز یا به عبارتی مشکل این‌جاست که زمان در حال تغییر است ولی ما هنوز نسبت به شکل‌دهی و تجدید سازمان آن‌چه در ذهنمان به یک بنای با شکوه و پر عظمت تبدیل شده، تمایلی نداریم. مدارس دهه‌ی ۱۹۹۰ همان مدارس دهه‌ی ۱۸۹۰ هستند، تنها با یک روکش تازه از رنگ. به عبارت دیگر، محیط‌های جهانی و سبک‌های زندگی در حال تغییر، خود القاکننده‌ی نیازی پیوسته برای پویایی است. بیشتر مردم احساس می‌کنند که آموزش و پرورش از روند پرشتاب صنعتی شدن، محوریت اطلاعات و دیگر تحولات همراه با زمان معاصر جدا بوده از آن تأثیر نمی‌پذیرد. در حالی که واقعیت امر جز اینست و سیستم آموزشی یک کشور به دلیل جایگاه و نقش حساسی که دارد، یک عامل همیشگی و پابرجا برای توجه است (حسن زاده، ۷: ۱۳۷۹). براون^۳ (۱۹۹۳؛ به نقل از مونچ، ۱: ۲۰۰۱) معتقد است: «هر دهه برای مفهوم و معنای آموزش، مسئولیت‌ها و مطالبات جدید، چالش‌های جدید و دعوتی تازه برای تغییر به همراه دارد.» در همین راستا، تافلر (۱۹۲: ۱۳۶۳) اظهار داشته است: «امروزه، پیشرفت فزاینده‌ی دانش و دیگر تحولات، اصول بنیادی پذیرفته شده در عصرهای گذشته را به تدریج مورد حمله قرار داده و قواعد جدیدی را بنیاد نهاده است. از جمله‌ی این اصول بنیادی که همراه با تحولات قرن حاضر دگرگون شده است، مفاهیم وقت‌شناسی و همزمانی، نیاز به هم‌شکلی و استاندارد کردن می‌باشد».

ظهور کامپیوتر در عرصه‌ی زندگی به تدریج برنامه‌های زمانی و حتی مفاهیم ما از زمان را از نو

قالب ریزی می‌کند. متخصصان کامپیوتر به هم فشردگی زمانی را به یک میلیاردم ثانیه رسانده اند که در تصور هیچ انسانی نمی‌گنجد، یعنی یک کامپیوتر عمر کار مفید یک نفر یا حدود هشتاد هزار ساعت کار را (سالی دو هزار ساعت کار برای چهل سال) در یک واحد زمانی ۴/۸ دقیقه‌ای مترکم کرده است. تحولات این قرن به سوی تنوع بیشتر در حرکت است و به جای زمانبندی همگانی و عام گذشته، زمانبندی انعطاف‌پذیر، ویژه و شخصی را به همراه آورده است. نتایج چنین تحولی «انبوه زدایی»^۴ زمان است که بر خلاف تأکید جوامع گذشته بر ساعت کار انعطاف‌ناپذیر، و انبوهی که ساعات پر ازدحام و اعصاب خردکن ترافیک را به وجود آورد، ترافیک و ازدحام را در زمان‌ها و مکان‌های مختلف پخش می‌کند (تافلر، ۳۵۱ - ۳۴۰: ۱۳۶۳).

از دیگر تحولات این قرن، مسأله‌ی زمان شناور یا ساعات شناور و انعطاف‌پذیر است؛ یعنی ترتیبی که در دهه‌ی ۱۹۷۰ برای اولین بار مطرح گردید و به کارگران و کارمندان اجازه می‌داد تا حدود ساعات کار خود را از قبل انتخاب نمایند. این بدان معنی است که شخص روز کار که عادت دارد صبحها زود از خواب بیدار شود، می‌تواند ساعت ورود به محل کارش را هشت صبح انتخاب کند، در حالی که شخص شب کار که عادت متفاوتی داشته و متابولیسم بدنش فرق می‌کند، شروع کارش را ده یا ده و نیم صبح انتخاب می‌کند. این جنبش زمانی آغاز شد که یک خانم اقتصاددان آلمانی به نام کریستل کامرر^۵ این برنامه را برای استفاده‌ی بیشتر از زنان بچه دار در بازار کار پیشنهاد کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با معمول شدن ساعات کار شناور، کارآیی کارمندان بیشتر و غیبت آن‌ها کمتر شده است و طبق نظرخواهی انجمن مدیریت آمریکا در میان شرکت‌هایی که آن را به کار برده‌اند، تنها ۲ درصد به چارچوب ثابت زمانی گذشته باز گشته‌اند (تافلر، ۳۴۳-۳۴۰: ۱۳۶۳).

شواهد و اسناد در حیطه‌ی آموزش و پرورش نشان می‌دهد، دانش آموزان آمریکایی هنگامی بهترین شانس را برای به دست آوردن موفقیت و پیشرفت دارند که زمان در خدمت آن‌ها باشد نه این که آن‌ها به مدت طولانی‌تری در خدمت زمان باشند. این رویکرد در اهداف جامعه‌ی ۲۰۰۰ آمریکا چنین خلاصه می‌شود «یافتن شیوه‌های بهتر و بیشتر کار برد زمان و یادگیری باید در رأس تلاش‌های اصلاح آموزشی قرار گیرد. مدارس و جوامع درباره‌ی این که چگونه زمان در طی روز تحصیل استفاده شود و مدارس چطور می‌توانند برنامه‌های روز و سال تحصیلی توسعه یافته را بنیاد نهند نیازمند تفکر مجدد هستند». ریچارد رابلی دبیر این دپارتمان مدعی است که هم معلمان و هم دانش آموزان نیازمند زمان بیشتری هستند، نه برای این که همان برنامه‌های پیشین را بیشتر انجام دهند، بلکه بدین منظور که زمان را به شیوه‌ای جدید، متفاوت و بهتر به کار گیرند. کلید آزادی یادگیری در محبوس نبودن و جفت و بست نبودن زمان قرار دارد (اسلاتری^۶، ۶۲۰-۶۱۴: ۱۹۹۵).

اصول و قواعد در حال تکوین ناشی از عصر حاضر بر جنبه‌های مختلف فعالیت انسان، جامعه و نظام آموزش و پرورش اثرات انکارناپذیری دارد. چنانکه تحت تأثیر این نگرش، در گزارشی که در سال

۱۹۹۴ از سوی کمیته‌ی ملی زمان و یادگیری با عنوان اسیران زمان در آمریکا منتشر شده است، نواقص طرح‌های ثابت و یکنواخت برنامه‌ی درسی، روش‌هایی که مدرسه با آن سازماندهی می‌شود و نیز زمانی که برای اهداف آموزشی اختصاص می‌یابد، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این گزارش نشان می‌دهد که برخی آموزش دهندگان به شیوه‌های جدیدتر و بهتر، زمان را مورد استفاده قرار می‌دهند. در این گزارش آمده است: «ما کار گسترده‌ی مدارس نواحی و ایالت‌ها، که آموزش را به طور مجدد طراحی نموده‌اند، معرفی می‌نماییم. در این طراحی نوین، زمان یک عامل حمایت کننده‌ی یادگیری است نه یک مرز علامت‌گذاری شده که آن را محدود نماید» (ص ۳۱). در این گزارش، فرض بر این است که اگر در موضوعات اصلی یا برنامه‌های درسی هسته‌ای، بتوان استانداردهای جهانی ایجاد نمود، در آن صورت زمان تبدیل به یک منبع انعطاف‌پذیر می‌شود که محدودیت‌های زمان سنتی و ثابت را نقض خواهد کرد. به عبارت دیگر، با در دست داشتن یک برنامه‌ی درسی استاندارد می‌توان زمان را به هر ترتیب تقسیم و توزیع کرد و در اختیار گرفت.

بدین ترتیب پیشگامان اصلاح و تغییر یا رهبران مدارس، همواره به دنبال روش‌هایی ابداعی برای بهبود عملکرد سیستم آموزش و تأمین مؤثر نیازهای همه‌ی دانش‌آموزان هستند و به گفته‌ی برادفورد^۷ (به نقل از ویترفورد^۸، ۴: ۲۰۰۱) «سیستم آموزشی معاصر با نوع زمانبندی خود باید ارائه‌ی دهنده‌ی برنامه‌هایی باشد که نیازهای آموزشی همه‌ی دانش‌آموزان اعم از غیر برخوردار یا محروم، مردودین بالقوه، دانش‌آموزان سریع، نیازمند جبران، معمولی و نخبه را به نوعی ارضا نماید». برای نمونه، گیتلین^۹ (به نقل از مونچ، ۳: ۲۰۰۱) اظهار داشته است: به طور تاریخی تقویم مدارس عمومی آمریکا به منظور تطابق با نیازهای جامعه طراحی شده؛ زیرا که به لحاظ تاریخی مردم به تعطیلات تابستان توجه دارند و برای استراحت و نیایش عصر جمعه و صبح یکشنبه نیز تعطیلات لازم است. اصلاح زمان تحصیل یا تقویم مدرسه یکی از ابداعاتی است که به دنبال رویکرد جدید کشورها برای بازسازی مدارس عمومی مطرح شده است. این رویکرد در آمریکا از دهه‌ی ۱۹۸۰ و به دنبال کسب نتایج ضعیف دانش‌آموزان در آزمون‌های پیشرفت تحصیلی در مقایسه با دانش‌آموزان دیگر کشورها و افزایش انتقادات عمومی نسبت به سیستم آموزشی آمریکا قوت گرفت و بخشی از نگاه‌ها را به الگوی تقویم تحصیلی یا ساختار زمان آموزش معطوف ساخت. این راهکار تا آنجا قوت گرفت که در مقاله‌ای با عنوان گزارشی به چهل و یکمین رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۸۹، به مشکلاتی همچون نرخ غیر قابل تحمل بی‌سوادی، فارغ‌التحصیلان دبیرستانی فاقد مهارت‌ها و سواد فنی مورد نیاز بازار و نرخ بالای ترک تحصیل اشاره شده و اصلاح تقویم آموزشی را به عنوان راهکاری مفید برای مقابله با این مشکلات پیشنهاد نموده است (مهر محمدی، ۴۹: ۱۳۶۸).

با این حال، گرایش به تغییر و اصلاح بسیار دشوار است، به ویژه هنگامی که نظام تحت تغییر، عمیقاً ریشه در سنت‌ها داشته باشد. اما به هر حال در صورتی که زمانبندی تحصیل به عنوان زیر

مجموعه‌ای از نظام آموزش و پرورش نتواند کار کرد مورد نظر و نتایج دلخواه را به دست آورد و یا آن‌گونه که شیوه‌های جدیدتر و کارآمدتری برای این منظور طراحی شود، روز شمار تحصیلی نیز علیرغم جایگاه استوار آن در فرهنگ و تاریخ جامعه، ناچار از تغییر و اصلاح خواهد بود.

بنابراین در این مقاله ضرورت بازنگری، اصلاح و نوآوری در زمانبندی تحصیلی مورد توجه قرار گرفته و در این راستا سه پرسش بنیادین مورد بررسی قرار گرفته که عبارتند از:

۱. ضرورت ایجاد انعطاف در روز شمار تحصیلی از دید زمان آغاز و پایان روز و سال تحصیلی چه اندازه است؟
۲. ضرورت تغییر در مدت و زمان تعطیلات چه اندازه است؟
۳. میزان ضرورت تغییر در نحوه‌ی توزیع زمان آموزش (۶ ساعت در روز، ۶ روز در هفته) چه اندازه است؟

۲. روش انجام پژوهش

نوع تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و روش به کار گرفته شده، کمی و کیفی است که در بخش کمی از پرسشنامه‌ی محقق ساخته و در قسمت کیفی از مصاحبه‌ی نیمه سازمان یافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

۲.۱. جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی این پژوهش متشکل از سه گروه است که عبارتند از: همه‌ی دبیران (۵۳۱۷ نفر) دبیرستان‌های نظری دو شهرستان اصفهان و یزد در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰، مدیران مدارس متوسطه‌ی نظری در این دو شهر (۳۶۳ نفر) و مدیران ارشد و مسئولان آموزش متوسطه سازمان آموزش و پرورش شهرهای اصفهان و یزد (۲۸ نفر).

برای محاسبه‌ی نمونه‌ی دبیران، نخست با انجام یک مطالعه‌ی مقدماتی^۱، واریانس جامعه برآورد گردید (۰/۸۶۷). سپس، با استفاده از فرمول مربوط، حجم نمونه ۱۸۰ نفر برآورد شد. این افراد با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده‌ی چند مرحله‌ای متناسب با حجم از نواحی آموزش و پرورش شهرهای اصفهان و یزد انتخاب شده‌اند. از این تعداد، ۱۳۵ دبیر از شهر اصفهان (۶۶ مرد و ۶۹ زن) و ۴۵ دبیر از شهر یزد انتخاب شده‌اند که ۲۲ نفر آنان مرد و ۲۳ نفر زن بوده‌اند. بیشتر دبیران انتخاب شده‌ی دو شهر (۹۰ درصد) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۶ درصد دارای مدرک کمتر و ۴ درصد دارای مدرک بالاتر از کارشناسی بوده‌اند.

همچنین، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، تعداد ۳۵ نفر از مدیران که ۱۰ درصد مدیران این دو شهر هستند به عنوان نمونه‌ی آماری مدیران انتخاب شدند (اصفهان ۲۶ نفر، یزد ۹ نفر). از میان مدیران انتخاب شده ۸۰ درصد دارای درجه‌ی کارشناسی و ۲۰ درصد دارای درجه‌ی کارشناسی

ارشد می‌باشند.

برای کسب اطلاعات جامع‌تر، نظرات ۱۳ نفر از مدیران ارشد و کارشناسان آموزش متوسطه‌ی سازمان‌های آموزش و پرورش اصفهان و یزد و ۳ نفر از استادان دانشگاه از راه مصاحبه جمع‌آوری شد. این افراد بر مبنای روش نمونه‌گیری موارد مطلوب که یکی از روش‌های نمونه‌گیری پژوهش‌های کیفی است (نصر و همکاران، ۱۳۸۲) انتخاب شده‌اند. ملاک مطلوبیت افراد، میزان دانش، اطلاعات و علاقه‌ی آنان به موضوع پژوهش بوده است.

۲.۲. روش جمع‌آوری داده‌ها

با توجه به ماهیت موضوع و روش تحقیق، از دو ابزار پرسشنامه و مصاحبه برای گردآوری داده‌ها استفاده شد که در مورد هر کدام توضیحات مختصری ارائه می‌گردد:

الف. پرسشنامه: به دلیل فقدان پرسشنامه‌ی استاندارد در ارتباط با موضوع پژوهش، بر مبنای اطلاعات به دست آمده از منابع مربوط به موضوع و با تکیه بر نظرات استادان محترم دانشکده‌ی علوم تربیتی دانشگاه اصفهان، مدیران و دبیران مدارس متوسطه، پرسشنامه‌ای مرکب از ۱۶ پرسش بسته پاسخ بر مبنای مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت و دو پرسش باز پاسخ به وسیله‌ی پژوهشگر تهیه و تنظیم گردید. به منظور تعیین روایی^{۱۱} نخست پرسشنامه میان ۱۲ استاد دانشگاه، مدیر و دبیر دبیرستان توزیع شد و از آن‌ها خواسته شد تا ضمن بررسی تناسب پرسش‌های تهیه شده برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، اشکال‌های ویرایشی آن‌را نیز گوشزد نمایند. پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی، پرسشنامه به طور تصادفی میان ۳۶ نفر از مدیران و دبیران توزیع شد و پس از دریافت پرسشنامه‌های تکمیل شده با استفاده از نظرات آنان اصلاحات لازم در آن صورت گرفت. هنگام توزیع پرسشنامه مؤکداً از آن‌ها خواسته شد اگر پرسشی نارساست و یا اشکال ویرایشی دارد آن را مشخص کنند تا مورد بررسی قرار گیرد. برای اهمیت دادن به این موضوع، این درخواست در مقدمه‌ی پرسشنامه نیز به صورت درشت و پررنگ تایپ شد. بنابراین، با بررسی پیشنهادهای به دست آمده از دو اقدام یادشده و انجام اصلاحات لازم، روایی پرسشنامه تأمین شد.

برای تعیین پایایی^{۱۲} پرسشنامه از فرمول آلفای کرانباخ استفاده شد که مقدار آن با نرم افزار SPSS، ۰/۷۹ برآورد شد. محاسبه‌ی پایایی با استفاده از پاسخ‌های به دست آمده از ۳۶ پرسشنامه‌ی مقدماتی صورت گرفت.

ب. مصاحبه: به منظور غنا و عمق بخشیدن به پرسش‌های مورد پژوهش، با ۱۶ نفر از افراد صاحب‌نظر و کارشناس مصاحبه‌ی نیمه سازمان یافته به عمل آمد. بدین ترتیب که متناسب با اهداف پژوهش، با همکاری ۵ نفر از استادان محترم دانشکده‌ی علوم تربیتی پرسش‌های مصاحبه تنظیم گردید. سپس، تقاضانامه‌ای برای دعوت به مصاحبه که دربر دارنده‌ی موضوع، اهداف پژوهش، محتوای مصاحبه و نیز تعیین زمان مصاحبه بود به افراد مورد نظر ارائه شد و مقدمات انجام مصاحبه فراهم

گردید.

مصاحبه‌ی نیمه سازمان یافته، مصاحبه‌ای است که ضمن این‌که پرسش‌های آن از پیش تدوین شده، مصاحبه‌کننده می‌تواند برای روشن شدن زوایای بحث، پرسش‌های تازه را در چارچوب کلی پرسش‌های اصلی مطرح نماید. محتوای پرسش‌های مصاحبه دقیقاً در راستای سه پرسش اصلی پژوهش است که به خاطر رعایت اختصار تکرار نشده، ولی یافته‌های مربوط به هر پرسش، پس از ارائه‌ی داده‌های کمی مطرح شده است.

۳.۲. روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور مقایسه‌ی توزیع نمره‌های هر یک از مقوله‌های اساسی پژوهش نخست با توزیع نرمال، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد که تمامی نمره‌ها از توزیع نرمال یا هنجار پیروی می‌کند. از این رو برای سنجش سه مقوله‌ی مورد نظر در این تحقیق، آزمون پارامتری t تک نمونه‌ای استفاده شد. همچنین، آزمون t با دو گروه مستقل برای مقایسه‌ی نظرات پاسخگویان بر مبنای جنسیت، شهر (اصفهان و یزد) و نوبت مدرسه استفاده شد. افزون بر آن، آزمون‌های تحلیل واریانس یکراهه و توکی برای مقایسه‌ی نظرات پاسخگویان بر حسب مدرک تحصیلی و سابقه‌ی خدمت به کار گرفته شد.

در مورد آزمون t تک نمونه‌ای، چون واریانس و میانگین کل جامعه در اختیار نبود، میانگین نظری یا فرضی ۳ مبنای محاسبه قرار گرفت. انتخاب این عدد به خاطر قرار گرفتن در حد وسط مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تا اندازه‌ای توجیه‌پذیر اما قراردادی است. داده‌های به دست آمده از مصاحبه با توجه به اهداف پژوهش سازمان داده شد و بر مبنای نکات مشترک مباحث، با استفاده از روش مقوله بندی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳. یافته‌های پژوهش

پیش از ارائه‌ی یافته‌ها، توضیح مختصری درباره‌ی ویژگی‌های جمعیتی نمونه‌ی آماری ارائه می‌گردد. ۴۷ درصد افراد نمونه مرد و ۵۳ درصد زن، ۷۴ درصد اصفهانی و ۲۶ درصد از شهر یزد بوده‌اند که این درصدها با توزیع افراد در جامعه، همخوانی دارد. همچنین، ۹۴ درصد افراد نمونه دارای مدرک لیسانس و بالاتر و ۷۵/۵ درصد دارای سابقه خدمت بالای ۱۰ سال بوده‌اند. این دو ویژگی گویای آن است که نمونه‌ی پژوهش از کیفیت علمی و تجربی مناسبی برخوردار بوده که می‌تواند در اعتماد به یافته‌های به دست آمده مؤثر باشد. وجود این ویژگی‌ها در نمونه گویای آن است که این دو شهر از شهرهای برخوردار کشور هستند. در ادامه، یافته‌ها بر مبنای سه پژوهش ارائه می‌گردد:

۳.۱. پرسش نخست پژوهش: میزان ضرورت انعطاف در روز شمار تحصیلی

منظور از انعطاف در روز شمار تحصیلی این است که همگی دانش آموزان سراسر کشور به تابعیت

از یک زمان ویژه برای آغاز و پایان آموزش روزانه و نیز آغاز و پایان سال تحصیلی ملزم نباشند. دلیل آن این است که ایران از دید شرایط اقلیمی دارای تنوع فراوانی است و مسائلی نظیر اختلاف دمای زیاد میان مناطق مختلف کشور، اختلاف زیاد دما در فصول مختلف سال، اختلاف زمان طلوع و غروب آفتاب در استان‌های شرقی و غربی کشور و شرایط جوی متغیر مانند وزش بادهای موسمی و شدید در مناطقی چون سیستان و بلوچستان، ریزش برف و باران شدید در مناطق کوهستانی، رطوبت زیاد و هوای شرجی در مناطق جنوبی کشور عواملی هستند که در کنترل برنامه‌ریزان نبوده و خود به خود مانع اعمال کامل روزشمار تحصیلی هماهنگ کشوری می‌گردند. بدین ترتیب، مناطقی که بیشتر در معرض این شرایط هستند، از لحاظ آموزشی دچار لطامت و آسیب‌های شدیدتری خواهند شد. به منظور سنجش پرسش نخست پژوهش، ده پرسش به سبک ۵ درجه‌ای لیکرت (جدول شماره ۱) تدوین شد که میزان اهمیت مواردی مانند دما، افق و شرایط اجتماعی، اقتصادی و آموزشی را در منعطف نمودن روز شمار تحصیلی بررسی می‌کند. در پرسشنامه‌ی پرسش از پاسخ دهندگان خواسته شده بود تا به این پرسش پاسخ دهند: "عوامل زیر تا چه اندازه انعطاف‌پذیر کردن زمان شروع و خاتمه‌ی آموزش روزانه و سال تحصیلی را ضروری می‌سازد؟"

جدول ۱: دیدگاه مدیران و دبیران در مورد ضرورت انعطاف در زمان آغاز و پایان روز و سال تحصیلی

مقوله	طیف	پاسخ صحیح	پاسخ نادرست	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات ^{۱۳}	تعداد		تأخیری	زیاد	کمترین	بیشترین
							مدیر	دبیر				
۱. تفاوت دمای هوا در فصول مختلف	مدیر	-	-	۴/۵۶	۰/۶۲۰	۱۳	۶/۷	۲	۳۰	۹	۱۹	۶۳/۳
	دبیر	۰/۶	۱	۴/۱	۰/۷۸۵	۱۹	۹/۷	۱۶	۵۵/۲	۹۱	۵۰	۳۰/۳
۲. تفاوت دمای هوا در مناطق مختلف	مدیر	-	-	۴/۱	۰/۷۴۰	۱۸	۲۰	۶	۴۳/۳	۱۳	۱۱	۳۶/۷
	دبیر	۰/۶	۱	۴/۰۷	۰/۶۸۵	۱۷	۱۶/۴	۲۷	۵۷/۶	۹۵	۴۲	۲۵/۵
۳. تفاوت طلوع و غروب خورشید در مناطق مختلف	مدیر	-	-	۳/۷۳	۰/۷۸۴	۲۱	۲۶/۷	۸	۵۳/۳	۱۶	۴	۱۳/۳
	دبیر	۳/۶	۶	۳/۷۲	۱/۰۶	۲۸	۲۷/۳	۴۵	۳۳/۳	۵۵	۴۵	۲۷/۳
۴. تفاوت طلوع و غروب خورشید در فصول مختلف	مدیر	-	-	۳/۹۶	۰/۶۶۸	۱۷	۱۲/۳	۴	۶۶/۷	۲۰	۵	۱۶/۷
	دبیر	۳/۶	۶	۳/۷۸	۱/۰۶	۲۸	۲۷/۳	۴۵	۳۲/۱	۵۳	۵۰	۳۰
۵. صرفه جویی در هزینه انرژی برای سرمایش و گرمایش	مدیر	۳/۳	۱	۳/۷۶	۰/۸۹۷	۲۴	۲۳/۳	۷	۵۳/۳	۱۶	۵	۱۶/۷
	دبیر	۳/۰	۵	۳/۸۰	۱/۱۸	۳۱	۱۲/۷	۲۱	۳۱/۵	۵۲	۵۹	۳۵/۸

ضرورت تغییر، انعطاف و نوآوری در روز شمار تحصیلی مدارس متوسطه‌ی نظری / ۲۳۱

۲۸	۱/۰۵	۳/۸۰	۲۳/۳ ۱۰	۳۰ ۹	۲۳/۳ ۷	۱۳/۳ ۴	- -	مدیر	۶. تفاوت میزان خواب
۲۹	۱/۰۶	۳/۶۰	۲۴/۸ ۴۱	۳۵/۲ ۵۸	۲۳/۶ ۳۹	۱۴/۵ ۲۴	۱/۸ ۳	دبیر	مورد نیاز دانش آموزان سنین مختلف
۱۸	۰/۷۶۰	۴/۲۰	۳۶/۷ ۱۱	۵۰ ۱۵	۱۰ ۳	۳/۳ ۱	- -	مدیر	۷. آمادگی جسمی
۲۷	۱/۰۵	۳/۹۳	۳۰/۹ ۵۱	۴۸/۵ ۸۰	۹/۷ ۱۶	۵/۵ ۹	۵/۵ ۹	دبیر	فراگیران در ایام خاص مثل ماه مبارک رمضان
۱۷	۰/۷۴۰	۴/۳۰	۴۳/۳ ۱۳	۴۶/۷ ۱۴	۶/۷ ۲	۳/۳ ۱	- -	مدیر	۸. تنوع آب و هوا در
۱۸	۰/۷۴۰	۴/۱۰	۳۱/۵ ۵۲	۵۵/۲ ۹۱	۱۰/۳ ۱۷	۲/۴ ۴	۰/۶ ۱	دبیر	مناطق مختلف
۳۱	۱/۰۶	۳/۳۶	۱۶/۷ ۵	۲۶/۷ ۸	۳۶/۷ ۱۱	۱۶/۷ ۵	۳/۳ ۱	مدیر	۹. تفاوت شرایط
۲۴	۰/۹۱۳	۳/۸۰	۲۴/۸ ۴۱	۴۷/۳ ۷۸	۲۲/۴ ۳۷	۲/۴ ۴	۳/۰ ۵	دبیر	اجتماعی، اقتصادی منطقه
۳۱	۱/۰۲	۳/۳۰	۱۳/۳ ۴	۲۶/۷ ۸	۴۰ ۱۲	۱۶/۷ ۵	۳/۳ ۱	مدیر	۱۰. تفاوت سطح
۲۸	۱/۰۹	۳/۸۹	۴۲/۴ ۷۰	۱۵/۲ ۲۵	۳۳/۹ ۵۶	۶/۷ ۱۱	۱/۸ ۳	دبیر	آموزش مناطق مانند میزان افت تحصیلی وقبولی در دانشگاه

چنان که در جدول دیده می‌شود دیدگاه‌های مدیران و دبیران به صورت مجزا نشان داده شده است. همچنین، فراوانی و درصد مربوط به پاسخ‌ها در یک ستون و کنار هم آورده شده است.

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که از نظر مدیران، بیشترین ضرورت انعطاف در زمان آغاز و پایان روز و سال تحصیلی در سطح زیاد و خیلی زیاد به سبب "تفاوت دمای هوا در فصول مختلف" (مورد ۱) با $\bar{x} = ۹۳/۳$ درصد ($\bar{x} = ۴/۵۶$) و "تنوع آب و هوا در مناطق مختلف" (مورد ۸) با ۹۰ درصد ($\bar{x} = ۴/۳$) است. کمترین ضرورت در مورد "تفاوت شرایط اجتماعی، اقتصادی منطقه" (مورد ۹) و "تفاوت سطح آموزش استان‌ها و مناطق" (مورد ۱۰) با $\bar{x} = ۴۳/۴$ درصد ($\bar{x} = ۳/۳$) است. همچنین، نتایج جدول نشان می‌دهد که از نظر دبیران، بیشترین ضرورت انعطاف در زمان آغاز و پایان روز و سال تحصیلی مربوط به "تنوع آب و هوا در مناطق مختلف" (مورد ۸) با $\bar{x} = ۸۶/۷$ درصد ($\bar{x} = ۴/۱$) و "تفاوت دمای هوا در فصول مختلف" (مورد ۱) با $\bar{x} = ۸۵/۵$ درصد ($\bar{x} = ۴/۱$) است. کمترین ضرورت مربوط به مورد ۱۰ با $\bar{x} = ۵۷/۶$ درصد ($\bar{x} = ۳/۸۹$) می‌باشد.

ضریب تغییرات برای مدیران بیانگر این است که بیشترین پراکندگی، به موارد ۹ و ۱۰ با ۳۱ درصد و کمترین پراکندگی، به مورد ۱ با ۱۳ درصد اختصاص دارد. ضریب تغییرات برای دبیران نشان می‌دهد که بیشترین پراکندگی به مورد ۶ با ۲۹ درصد و کمترین پراکندگی به مورد ۲ با ۱۷ درصد مربوط است.

به منظور اولویت‌بندی^{۱۴} دلایل مدیران و دبیران نسبت به ضرورت انعطاف‌پذیری در روز شمار تحصیلی، میانگین هر یک از دلایل و اولویت آن‌ها به تفکیک از نظر مدیران و دبیران در جدول شماره ۲ ارائه می‌گردد. نتایج نشان می‌دهد که دیدگاه این دو گروه تقریباً مشابه است. عمده‌ترین تفاوت، مربوط به اولویت دهم مدیران است (تفاوت سطح آموزش استان‌ها) که دبیران آن را اولویت چهارم دانسته‌اند. در مجموع، تفاوت آب و هوا در فصول و مناطق مختلف، مهمترین دلیل ضرورت انعطاف‌پذیری در روز شمار تحصیلی بوده است.

جدول ۲: اولویت‌بندی دلایل ضرورت انعطاف‌پذیری در روز شمار تحصیلی

دیدگاه دبیران		دیدگاه مدیران		دلایل
میانگین	اولویت	میانگین	اولویت	
۴/۱۰	۱	۴/۵۶	۱	تفاوت دمای هوای در فصول مختلف
۴/۱۰	۱	۴/۳۰	۲	تنوع آب و هوا در مناطق مختلف
۳/۹۳	۳	۴/۲۰	۳	آمدگی جسمی فراگیران در ایام ویژه مانند ماه مبارک رمضان
۴/۰۷	۲	۴/۱۰	۴	تفاوت دمای هوا در مناطق مختلف
۳/۷۸	۶	۳/۹۶	۵	تفاوت طلوع و غروب خورشید در فصول مختلف
۳/۶۰	۸	۳/۳۶	۶	تفاوت میزان خواب مورد نیاز دانش‌آموزان سنین مختلف
۳/۸۰	۵	۳/۷۶	۷	صرفه جویی در هزینه‌ی انرژی برای سرمایش و گرمایش
۳/۷۲	۷	۳/۷۳	۸	تفاوت طلوع و غروب خورشید در فصول مختلف
۳/۸۰	۵	۳/۳۶	۹	تفاوت شرایط اجتماعی - اقتصادی منطقه
۳/۸۹	۴	۳/۳۰	۱۰	تفاوت سطح آموزش استان‌ها و مناطق مانند افت تحصیلی و قبولی در دانشگاه

بر اساس نتایج، مقدار $t = 12/5$ به دست آمد که در سطح اطمینان کوچک‌تر یا مساوی ۱ صدم معنادار بود و نشان داد که از نظر پاسخگویان، انعطاف در زمان شروع و پایان روز و سال تحصیلی بیش از سطح متوسط ضروری است.

مقایسه‌ی نظرات پاسخگویان بر حسب سمت، منطقه، نوبت مدرسه، مدرک تحصیلی و سابقه‌ی خدمت معنادار نبود. بنابراین، میان میانگین نظرات پاسخگویان با توجه به متغیرهای یاد شده از دید آماری تفاوت معناداری وجود نداشت. اما t محاسبه شده برای مقایسه‌ی نظرات پاسخگویان بر حسب جنس در سطح اطمینان کوچک‌تر یا مساوی ۵ صدم معنادار بود و نشان داد که پاسخگویان زن در مقایسه با مردان انعطاف‌پذیر نمودن روز شمار تحصیلی را ضروری‌تر می‌دانند.

داده‌های به دست آمده از مصاحبه نیز نشان داد در مجموع، ۱۲ نفر (۷۵ درصد) با انعطاف روز شمار تحصیلی به دلایلی چون شرایط متنوع جوی و تفاوت ایام کاری والدین موافق بودند و ۳ نفر عقیده داشتند، چون در امر نقل و انتقالات خانواده‌ها مشکل ایجاد می‌کند، چندان مطلوب نیست. یک نفر نیز تنها انعطاف در زمان پایان سال تحصیلی را مناسب می‌دانست. بنابراین، با تأیید ۷۸/۵ درصد مصاحبه شوندگان مبنی بر ضرورت انعطاف در روز شمار تحصیلی می‌توان نتیجه گرفت که چنین اقدامی مناسب است و تبعات مثبتی را در جهت استفاده‌ی کامل و بهینه از زمان آموزش و رفع بعضی مشکلات آموزشی به بار خواهد آورد.

۳.۲. پرسش دوم پژوهش: میزان ضرورت تغییر در مدت و زمان تعطیلات

اصولاً هدف از تعطیلات در نظام آموزش و پرورش، فراهم آوردن فرصت برای پرداختن به دیگر فعالیت‌ها و احیای توان ذهنی، جسمی و روحی برای آغاز دوباره‌ی فرایند آموزش است تا فرد اعم از معلم یا فراگیر بتواند با روحیه‌ای دوچندان و توانی بالاتر به فعالیت اصلی خود بپردازد و نتایج بهتری به دست آورد. اما در کشور ما به نظر می‌رسد مسائلی چون وضعیت خاص جغرافیایی به ویژه از لحاظ دما، کمبود امکانات، تجهیزات و فضای آموزشی و نیروی انسانی، تعطیلات را از هدف اصلی خود باز داشته و آن را تحت الشعاع خود قرار داده است. از سویی، وجود مناسبت‌های مختلف ملی - مذهبی، اعیاد و سوگواری‌ها میزان تعطیلات را به میزان چشمگیری افزایش داده است.

برای سنجش بخشی از پرسش دوم یعنی ضرورت تغییر در مدت تعطیلات از ۶ پرسش به سبک لیکرت (جدول شماره ۳) استفاده شد. در پرسشنامه‌ی پژوهش از پاسخ‌دهندگان درخواست شده تا به این پرسش پاسخ دهند: "تعطیلات مدارس در اعیاد و مناسبت‌های ملی و مذهبی طی سال تحصیلی تا چه حد در زمینه‌های زیر (موارد مندرج در جدول شماره ۳) تأثیر دارد؟" باید یادآور شد که شش مورد یاد شده هم جهت نیستند. به عبارت دیگر، از انتخاب گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد برای موارد ۱۱ تا ۱۳ ضرورت تغییر در تعطیلات استنباط می‌شود. بر عکس، از انتخاب همین گزینه‌ها برای موارد ۱۴ تا ۱۶ ضرورت عدم تغییر در مدت تعطیلات استنباط می‌گردد. برای نمونه، هر چه میانگین مورد ۱۱ "کاهش طول سال تحصیلی" بیشتر باشد نشان‌دهنده‌ی این است که تعطیلات موجب کاهش طول سال تحصیلی می‌شود که امری ناپسند است. بر عکس، هر چه میانگین مورد شماره ۱۶ "رفع خستگی فراگیر و معلم" بیشتر باشد گویای آن است که تعطیلات می‌تواند موجب رفع خستگی فراگیر و معلم شود که امری پسندیده است. به دلیل این که هر کدام از موارد یاد شده به تنهایی تجزیه و تحلیل می‌شود و نیازی به محاسبه‌ی میانگین کل شش مورد نیست از این رو ضریب پنج گزینه‌ی دسته‌ی دوم بر عکس نشده است.

جدول ۳: دیدگاه مدیران و دبیران در مورد ضرورت تغییر در مدت تعطیلات

مقوله	طیف	مدیر	دبیر	نوع		تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
				✓	✗						
۱۱. کاهش طول سال تحصیلی	مدیر	۶/۷	۲	۲	۲	۱۶/۷	۱۱	۳۳/۳	۳/۸۳	۱/۱۷	۳۱
		دبیر	۱۳/۹	۲۳	۲۴	۶۱	۲۱/۸	۳۶	۱۲/۷	۳/۰۴	۱/۱۹
۱۲. وقفه های پی در پی و اخلاص در فرآیند آموزشی	مدیر	۳/۳	۱	۳	۱۰	۱۳/۳	۱۱	۳۶/۷	۳/۹	۱/۱۱	۲۸
		دبیر	۱۰/۹	۱۸	۴۷	۴۹	۲۱/۸	۳۶	۹/۱	۲/۸	۱/۱۴
۱۳. محدودیت کار کرد تربیتی مدارس	مدیر	۱۳/۳	۴	۳	۱۰	۲۶/۷	۱۱	۳۶/۷	۳/۲۶	۱/۲۲	۳۷
		دبیر	۷/۳	۱۲	۲۳	۵۰	۳۸/۲	۶۳	۱۰/۳	۳/۳	۱/۰۶
۱۴. تحکیم باورهای مذهبی در فراگیران	مدیر	-	-	۱۰	۳۳/۳	۵۰	۱۵	۶/۷	۲/۹۳	۱/۰۷	۳۱
		دبیر	۷/۹	۱۳	۱۷	۱۰/۳	۳۰/۹	۵۱	۱۵/۸	۳/۴	۱/۱۱
۱۵. تحکیم باورهای ملی در فراگیران	مدیر	۶/۷	۲	۵	۱۶/۷	۴۰	۱۲	۲۶/۷	۳/۱۶	۱/۰۵	۳۳
		دبیر	۶/۱	۱۰	۱۴	۸/۵	۲۱/۲	۳۵	۲۴/۲	۳/۶۷	۱/۱۱
۱۶. رفع خستگی فراگیر و معلم	مدیر	۳/۳	۱	۲	۶/۷	۵۳/۳	۱۶	۲۳/۳	۳/۶۳	۱/۹۲۷	۲۷
		دبیر	۱۳/۹	۲۳	۱۰	۶/۱	۱۸/۲	۳۰	۳۲/۱	۳/۵۷	۱/۳۴

نتایج جدول شماره ۳ نشان می دهد که از نظر مدیران، بیشترین تأثیر تعطیلات مدارس در سطح زیاد و خیلی زیاد به "وقفه های پی در پی و اخلاص در فرآیند آموزش" (مورد ۱۲) با ۷۳/۴ درصد (۳/۹) = \bar{x} و "کاهش طول سال تحصیلی" (مورد ۱۱) با ۷۰ درصد (۳/۸) = \bar{x} مربوط می شود. کمترین تأثیر تعطیلات مدارس بر روی "تحکیم باورهای ملی در فراگیران" (مورد ۱۵) با ۳۶/۷ درصد (۳/۱۶) = \bar{x} می باشد.

نتایج جدول همچنین نشان می دهد که از نظر دبیران بیشترین تأثیر تعطیلات مدارس روی "تحکیم باورهای مذهبی در فراگیران" (مورد ۱۴) با ۶۴/۲ درصد و میانگین (۳/۴) و "رفع خستگی فراگیر و معلم" (مورد ۱۶) با ۶۱/۸ درصد و میانگین (۳/۵۷) می باشد. کمترین تأثیر مربوط به موردهای ۱۲ با ۳۰/۹ درصد ($\bar{x} = ۲/۸$) و ۱۱ با ۳۴/۶ درصد ($\bar{x} = ۳/۰۴$) است.

نتایج نشان می‌دهد دیدگاه مدیران و دبیران هماهنگ نیست. در حالی که مدیران معتقدند تعطیلات موجب کاهش طول سال تحصیلی و اخلاص در آن می‌شود. دبیران بیشتر اعتقاد داشته‌اند که تعطیلات موجب تحکیم باورهای مذهبی فراگیران شده و خستگی آن‌ها و دبیران را از میان می‌برد. ضریب تغییرات برای مدیران نشان می‌دهد که بیشترین پراکندگی با ۳۷ درصد مربوط به مورد ۱۳ و کمترین پراکندگی با ۲۷ درصد مربوط به مورد ۱۶ می‌باشد. ضریب تغییرات برای دبیران نشان می‌دهد که بیشترین پراکندگی با ۴۱ درصد مربوط به مورد ۱۲ و کمترین پراکندگی با ۳۰ درصد مربوط به مورد ۱۵ است.

همچنین، داده‌های به دست آمده از مصاحبه نشان می‌دهد که اکثریت مصاحبه شونده‌گان میزان تعطیلات رسمی در طول سال را زیاد می‌دانستند و معتقد بودند اگرچه تعطیل کردن مدارس در چنین ایامی برای رسیدن به اهدافی معین صورت می‌گیرد اما آسیب آموزشی و پرورشی که از این راه بر پیکره‌ی نظام آموزشی وارد می‌شود از منافع احتمالی که از تعطیل کردن مدرسه به دست می‌آید بسیار بیشتر است؛ به ویژه این که پژوهش بسیاری از این اهداف در صورت باز بودن مدارس بهتر میسر می‌گردد. برای نمونه، یکی از مصاحبه شونده‌گان می‌گوید:

«چه لزومی دارد روزی که جشن است تعطیل کنیم؟ خوب، جشن باشد، در مدرسه هم جشن بگیرند، این که تعطیل بشود توجیهی ندارد. یا بر عکس، روزی که عزا است این عزاداری در مدرسه انجام شود. به این ترتیب، هم ما به اهداف فرهنگی‌مان رسیده‌ایم هم دانش‌آموز را به فضای آموزشی آورده‌ایم.»

از میان مصاحبه شونده‌گان ۱۱ نفر (۶۸/۷۵ درصد) میزان تعطیلات رسمی را زیاد می‌دانستند و یادآور شدند که باید به گونه‌ای متناسب، از میزان این تعطیلات کاسته شود. البته، هم ارزش‌های ملی و هم ارزش‌های مذهبی قابل احترام و دارای اهمیت است و روزهایی که واقعاً ضرورت حضور فراگیران در صحنه‌ی اجتماعی را می‌طلبد و تقویت باورهای ملی و مذهبی در گرو شرکت در مراسم جمعی است، می‌توان مدارس را تعطیل کرد و در صورت عدم چنین لزومی، بهتر است مدارس دایر باشد و فعالیت آموزشی و در کنار آن امور پرورشی مربوط به مناسبت‌ها انجام شود.

همچنین در زمینه‌ی تعطیلات تابستان بیشتر مصاحبه‌شونده‌گان طول مدت تعطیلات تابستانی را زیاد دانسته‌اند و دلایلی چون خستگی والدین و فراگیران، ایجاد گسست در یادگیری و فراموشی آموخته‌ها خصوصاً در پایه‌های اولیه دوره‌ی ابتدایی و اتلاف زمان‌های مفید را یادآور می‌شوند. در مجموع، ۱۲ نفر (۷۵ درصد) میزان تعطیلات تابستان را زیاد می‌دانستند و معتقد بودند بخشی از این تعطیلات باید در طول سال تحصیلی توزیع گردد. فقط ۴ نفر (۲۵ درصد) مدت آن را مناسب می‌دانستند اما همه مصاحبه‌شونده‌گان (۱۰۰ درصد) ضرورت وجود چنین تعطیلاتی را در این موقع از سال تأیید نمودند. همه‌ی موافقین توزیع تعطیلات تابستان (۷۵ درصد) اظهار داشتند که برای

دستیابی به بهترین توزیع باید شرایط ویژه اقلیمی- اقتصادی - اجتماعی و آموزشی هر استان مورد توجه قرار گیرد و زمان آموزش و تعطیلات را متناسب با آن تنظیم نمود.

همان‌گونه که شرح داده شد در این پژوهش، ۶ پرسش بسته پاسخ برای جمع‌آوری نظرات پاسخگویان درباره‌ی مدت تعطیلات تهیه شد و مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. افزون بر آن، برای بررسی زمان مناسب تعطیلات، از پرسش باز پاسخ استفاده شد. در پرسش باز پاسخ پرسیده شده است: «با توجه به مشکلات احتمالی مدت زمان تعطیلات تابستانی، با در نظر گرفتن شرایط شهر خود و

ویژگی‌های دوره‌ی متوسطه لطفاً دو مورد از پیشنهادها را به ترتیب اولویت مشخص نمایید.» داده‌های مربوط به این پرسش که به منظور بررسی ضرورت تغییر در مدت و زمان تعطیلات رسمی مطرح شده در جداول شماره ۴ و ۵ به صورت کمی توصیف شده است تا امکان مقایسه‌ی نظرات پاسخگویان در شهرهای یزد و اصفهان فراهم گردد. پیش از ارائه‌ی یافته‌ها، لازم است درباره‌ی چگونگی انجام محاسبات صورت گرفته در جدول، توضیحات کوتاهی داده شود. شیوه‌ی محاسبه‌ی امتیازهای مندرج در جدول بدین ترتیب بوده است که نخست به هریک از اولویت‌های ۱ تا ۳ نمراتی بصورت قراردادی داده شد (به اولویت اول نمره ۳، به اولویت دوم نمره ۲ و به اولویت سوم نمره ۱)، سپس این نمرات در فراوانی‌های مربوط ضرب گردید و آن‌گاه مجموع این حاصلضرب‌ها به عنوان امتیاز نهایی (جمع امتیازات) در نظر گرفته شده است. برای نمونه، به منظور محاسبه‌ی امتیازات مربوط به "وضعیت موجود"، به ترتیبی که دیده خواهد شد عمل شده است:

$$(28 \times 3) + (5 \times 2) = 94$$

جدول ۴: توصیف کمی داده‌های شهر یزد مربوط به تعطیلات تابستان

ترتیب اولویت	جمع امتیازات	تعداد انتخاب‌ها		اولویت‌ها		پیشنهاد مناسب تعطیلات
		درصد	فراوانی	اول	دوم	
۱	۹۴	۴۰	۳۳	۵	۲۸	وضعیت موجود
۲	۳۵	۲۰	۱۶	۱۳	۳	دو ماه تابستان و تعطیلی پنج شنبه‌ها
۳	۲۹	۱۴	۱۲	۷	۵	دوماه تابستان و یک تعطیلات یک‌ماهه در زمستان (دی)
۴	۲۷	۱۵	۱۲	۹	۳	شروع سال از ۱۵ شهریور و تعطیلی ۱۵ روزه در دی ماه
۵	۱۶	۷	۶	۲	۴	دو ماه تابستان و هردو ماه یک هفته تعطیلی
۶	۷	۴	۳	۲	۱	دوماه تابستان و دو تعطیلات ۱۵ روز در ماه‌های آبان و بهمن

_____ **ضرورت تغییر، انعطاف و نوآوری در روز شمار تحصیلی مدارس متوسطه‌ی نظری / ۲۳۷**

اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از افراد نمونه از وضعیت فعلی تعطیلات تابستان رضایت دارند. به عبارت دیگر، وضعیت موجود (تعطیلات سه ماهه‌ی تیر، مرداد و شهریور) با فراوانی ۳۳ و امتیاز ۹۴ از سوی پاسخگویان شهر یزد به عنوان اولویت نخست انتخاب شده است.

۲۰ درصد از افراد نمونه نیز مدت زمان تعطیلات تابستان را به شیوه کنونی زیاد دانسته و ترجیح داده اند که یک ماه از تعطیلات سه ماهه‌ی تابستانی کسر گردد و در ازای آن یک روز به تعطیلات هفتگی اضافه گردد؛ یعنی در هر هفته علاوه بر جمعه، پنج شنبه نیز تعطیل شود. این پیشنهاد اولویت دوم را داشته است و فاصله‌ی آن با اولویت نخست زیاد است. اولویت‌های سوم تا ششم نیز در جدول مشخص شده است. در مجموع، ۶۰ درصد از افراد نمونه یعنی بیشتر آن‌ها شیوه‌هایی به جز وضعیت موجود را برای تعطیلات تابستانی پیشنهاد نموده‌اند.

جدول ۵: توصیف کمی داده‌های شهر اصفهان مربوط به تعطیلات تابستان

ترتیب اولویت	جمع امتیاز	تعداد انتخاب‌ها		اولویت‌ها		پیشنهاد مناسب تعطیلات
		درصد	فراوانی	دوم	اول	
۱	۲۰۷	۳۵	۷۳	۱۲	۶۱	وضعیت موجود
۲	۱۱۹	۲۴	۴۹	۲۸	۲۱	دو ماه تابستان، یک ماه زمستان (دی)
۳	۸۵	۱۷	۳۶	۲۳	۱۳	دو ماه تابستان و تعطیلی پنج شنبه‌ها
۴	۴۴	۹	۱۸	۱۰	۸	شروع سال از ۱۵ شهریور و تعطیلی ۱۵ روزه در دیماه
۵	۳۹	۸	۱۶	۹	۷	دو ماه تابستان و هر دو ماه یک هفته تعطیل
۶	۳۳	۷	۱۴	۹	۵	دو ماه تابستان، دو تعطیلات ۱۵ روزه در ماه‌های آبان و بهمن

در بخش بعد، نظر مدیران و دبیران شهر اصفهان در مورد تعطیلات بررسی می‌شود. اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی انتخاب‌ها (۷۳) به وضعیت موجود (تعطیلات سه ماهه‌ی تیر، مرداد و شهریور) مربوط است. به عبارت دیگر، ۳۵ درصد از افراد نمونه‌ی شهر اصفهان روند فعلی را برای تعطیلات مناسب دانسته‌اند و تمایلی برای کاهش تعطیلات تابستان و توزیع دوباره‌ی آن در طول سال تحصیلی ندارند.

از میان افراد نمونه‌ی شهر اصفهان، ۲۴ درصد سه ماه تعطیلات متوالی در تابستان را زیاد دانستند و معتقد بودند برای کاهش تراکم زمان آموزش در ۶ ماهه‌ی آغاز سال تحصیلی و نیز به دلیل سرمای

هوا در زمستان، مناسب است که یک ماه از تعطیلات تابستان را کم کنند و به جای آن در زمستان یک ماه تعطیلی باشد. این پیشنهاد که امتیاز ۱۱۹ را به دست آورده به عنوان اولویت دوم انتخاب شده است.

پیشنهاد دو ماه تعطیلات تابستان و تعطیلی پنج شنبه‌ها، با فراوانی ۳۶ و امتیاز ۸۵ به عنوان اولویت سوم انتخاب شده و ۱۷ درصد انتخاب‌ها را به خود اختصاص داده است. اطلاعات جدول نشان می‌دهد که اولویت دوم و سوم تقریباً به هم نزدیک بوده است. ترتیب اولویت‌های چهارم تا ششم همانند شهر یزد بوده، که در جدول مشخص است.

در مجموع، ۶۵ درصد از افراد نمونه‌ی شهر اصفهان با انتخاب دیگر پیشنهادها وضعیت موجود را، به دلایلی چون، نامناسب بودن تعطیلات به صورت متوالی، فشرده بودن زمان آموزش در ۶ ماهه‌ی آغاز سال و شرایط نامساعد جوی در زمستان، نامناسب دانسته‌اند و توزیع بخشی از تعطیلات سه ماهه‌ی تابستانی را در طول سال تحصیلی مطلوب دانسته‌اند.

مقایسه‌ی داده‌های جداول شماره ۴ و ۵ نشان می‌دهد که در مجموع، ۶۲/۵ درصد از افراد نمونه‌ی دو شهر، شیوه‌ی فعلی تعطیلات را نامناسب می‌دانند. ۳۷/۵ درصد آن را مناسب می‌دانند؛ که البته دمای بالای هوا طی سه ماه تابستان در این دو شهر و نیز عادت کردن مدیران و دبیران به روند فعلی می‌تواند دلیل چنین انتخابی بوده باشد. اگر چه اکثریت بیشتر دبیران و مدیران عقیده دارند که وضعیت فعلی دلپذیر نیست اما پراکندگی انتخاب‌ها در دیگر موارد نیز نشان می‌دهد که هیچ یک از پیشنهادهای ارائه شده مورد توافق همگان نبوده است. همچنین با توجه به نتایج جدول‌ها می‌توان نتیجه گرفت که به طور نسبی افراد نمونه‌ی شهر یزد نسبت به افراد نمونه‌ی شهر اصفهان از وضعیت موجود رضایت بیشتری دارند.

۳.۳. پرسش سوم پژوهش: ضرورت تغییر در شیوه‌ی توزیع زمان آموزش

در این پرسش پژوهش بررسی خواهد شد که پاسخ دهندگان چند ساعت آموزش در روز و چند روز در هفته را برای آموزش مناسب می‌دانند. برای پاسخ به این پرسش الگوهای زمانی متعددی ارائه شده و با پرسش زیر از آن‌ها خواسته شده تا بهترین گزینه‌ی مورد نظر را انتخاب نمایند. به فرض این که مجموعه امکانات و تسهیلات آموزشی فراهم باشد و با توجه به شرایط شهر خود و ویژگی‌های دوره‌ی متوسطه، کدامیک از پیشنهادها را برای روز شمار ترجیح می‌دهید؟ داده‌های به دست آمده از پاسخگویان شهرهای یزد و اصفهان به تفکیک در جداول شماره ۶ و ۷ ارائه شده است.

جدول ۶: توصیف کمی داده‌های شهر یزد مربوط به زمان آموزش

ترتیب اولویت	جمع امتیازات	تعداد انتخاب‌ها		اولویت‌ها		پیشنهاد مناسب زمان آموزش
		درصد	فراوانی	دوم	اول	
۱	۹۶	۴۶	۳۵	۹	۲۶	وضعیت موجود
۲	۶۲	۳۱	۲۴	۱۰	۱۴	۷ ساعت در روز، ۵ روز در هفته تعطیلی پنج شنبه و جمعه
۳	۱۹	۱۲	۹	۸	۱	۷ ساعت در روز، ۵ روز در هفته تعطیلی سه شنبه و جمعه
۴	۹	۵	۴	۳	۱	ساعت ۹ تا ۳، طی ۶ روز در هفته
۵	۴	۳	۲	۲	-	ساعت ۹ تا ۱۲ و ۲ تا ۵ به شکل دو هفته طی ۶ روز در هفته
۵	۴	۳	۲	۲	-	ساعت ۹ تا ۴ طی ۵ روز در هفته

یافته‌های به دست آمده از جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که گزینه "وضعیت موجود" (۶ روز در هفته، ۶ ساعت در روز) با فراوانی ۳۵ و کسب ۹۶ امتیاز از سوی افراد نمونه‌ی شهر یزد به عنوان اولویت اول تعیین شده است. به عبارت دیگر، ۴۶ درصد از افراد نمونه، وضعیت موجود را بهترین شیوه برای زمان آموزش دانسته‌اند.

گزینه‌ی ۷ ساعت در روز، ۵ روز در هفته، تعطیلی پنج شنبه و جمعه با فراوانی ۲۴ و کسب ۶۲ امتیاز به عنوان اولویت دوم تعیین شده است. به عبارت دیگر، ۳۱ درصد از افراد نمونه این پیشنهاد را مناسبترین شیوه برای زمان آموزش دانسته‌اند.

همچنین، نتایج جدول نشان دهنده‌ی این مسأله است که ۵۴ درصد از افراد نمونه گرچه از دید شیوه‌ی توزیع ساعات آموزش در هفته اختلاف نظر دارند، اما ۶ روز آموزش در هفته و یک روز تعطیلی را مناسب می‌دانند و ۴۶ درصد که تقریباً نیمی از افراد نمونه را در بر می‌گیرد، یک روز تعطیل در هفته را بسنده نمی‌دانند و با انتخاب گزینه‌هایی که ۵ روز آموزش در هفته را پیشنهاد می‌نماید، این امر را تأیید کرده‌اند. افزون بر آن، ۹۷ درصد از افراد نمونه، اداره کردن مدارس به شیوه‌ی یک هفته را ترجیح داده‌اند، به گونه‌ای که تنها ۳ درصد روش دو هفته را انتخاب نموده‌اند. این امر به دلیل مشکلات رفت و آمد معلمان و دانش آموزان و ائتلاف وقت به ویژه در مراکز استان‌ها توجیه‌پذیر است. در مجموع، ۵۴ درصد از افراد، شیوه‌هایی غیر از وضعیت موجود را انتخاب نموده‌اند اما تنوع دیدگاه در میان کسانی که دیگر شیوه‌ها را پیشنهاد کرده‌اند زیاد است و نمی‌توان با قاطعیت به نامناسب بودن الگوی فعلی زمانبندی آموزش رأی داد.

در ادامه نظرات مدیران و دبیران شهر اصفهان در مورد زمان آموزش ارائه می‌شود:

جدول ۷: توصیف کمی داده‌های شهر اصفهان مربوط به زمان آموزش

ترتیب اولویت	جمع امتیازات	تعداد انتخاب‌ها		اولویت‌ها		پیشنهاد مناسب زمان آموزش
		درصد	فراوانی	دوم	اول	
۱	۲۰۰	۳۷	۷۶	۲۸	۴۸	۷ ساعت در روز، ۵ روز در هفته، تعطیلی پنج شنبه و جمعه
۲	۱۹۰	۳۴	۷۰	۲۰	۵۰	وضعیت موجود
۳	۵۸	۱۳	۲۶	۲۰	۶	۷ ساعت در روز، ۵ روز در هفته، تعطیلی سه شنبه و جمعه
۴	۳۲	۶	۱۳	۷	۶	ساعت ۹ تا ۳ طی ۶ روز در هفته
۵	۲۶	۵	۱۱	۷	۴	ساعت ۹ تا ۱۲ و ۲ تا ۵، طی ۶ روز در هفته به شکل دو هفته
۶	۱۸	۵	۹	۹	-	ساعت ۹ تا ۴ طی ۵ روز در هفته

اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که از مجموع انتخاب‌های صورت گرفته در پاسخ به این پرسش، گزینه ۷ ساعت در روز، ۵ روز در هفته، تعطیلی پنج شنبه و جمعه، اولویت اول را از سوی افراد نمونه‌ی اصفهان به دست آورده است. به دیگر سخن، ۳۷ درصد آن‌را بهترین شیوه‌ی زمان‌بندی آموزش دانسته‌اند. گزینه‌ی وضعیت موجود (۶ ساعت در روز، ۶ روز در هفته) با فراوانی ۷۰ و کسب ۱۹۰ امتیاز به عنوان اولویت دوم انتخاب شده است. به عبارت دیگر، ۳۴ درصد از افراد نمونه، وضعیت فعلی را مناسب‌ترین شیوه برای آموزش می‌دانند. نتایج به دست آمده از جدول نشان می‌دهد که ۵۵ درصد یا بیش از نیمی از افراد نمونه افزایش ساعات آموزش در هر روز و در ازای آن دو روز تعطیل در هفته را پیشنهاد کرده‌اند و ۴۵ درصد یک روز تعطیل در هفته را مناسب دانسته‌اند. همچنین، ۹۵ درصد افراد، اداره‌ی مدارس به شیوه‌ی یک هفته را ترجیح داده‌اند و تنها ۵ درصد روش دو هفته را پیشنهاد کرده‌اند. در مجموع، ۶۶ درصد از افراد نمونه‌ی شهر اصفهان با انتخاب پیشنهادهایی به جز وضعیت موجود، نامناسب بودن شیوه‌ی فعلی زمان‌بندی آموزش را تأیید نموده‌اند.

مقایسه‌ی داده‌ها در جداول شماره ۶ و ۷ ضرورت تغییر در شیوه‌ی توزیع فعلی زمان رسمی آموزش را نشان می‌دهد؛ به طوری که ۳۴ درصد از پاسخگویان اصفهان و ۴۶ درصد از پاسخگویان شهر یزد با شیوه‌ی فعلی موافق هستند. در مجموع، بیش از نیمی از افراد نمونه‌ی دو شهر (۶۰ درصد)، وضعیت موجود زمان آموزش را نامناسب می‌دانند.

داده‌های حاصل از مصاحبه درزمینه‌ی چگونگی توزیع زمان آموزش نشان داد که بیشتر صاحب‌شوندگان معتقد بودند که مدت زمان آموزش در طول هفته مناسب نیست و نیازمند بازنگری و اصلاح است. از دلایلی که بیانگر ضرورت تغییر در مدت زمان آموزش در هفته است می‌توان موارد زیر

را یادآور شد:

فشرده‌گی آموزش: مهمترین عامل این است که فشرده بودن آموزش در طول ۶ روز در هفته امکان و فرصت لازم را برای مطالعه‌ی دروس، یادگیری بهتر، استراحت و پرداختن به دیگر فعالیت‌های شخصی سلب می‌نماید. چنین عارضه‌ای نه تنها برای دانش آموزان دبیرستان بلکه برای دانش آموزان دیگر دوره‌های تحصیلی نیز دیده می‌شود، به گونه‌ای که به تدریج در علاقه و انگیزه‌ی دانش‌آموزان نسبت به تحصیل، تأثیر منفی داشته از جذابیت آن می‌کاهد و آن‌را به فعالیتی اجباری که با نیازها و شرایط ذهنی، جسمی و روحی فراگیران تناسب کامل ندارد تبدیل می‌کند. در این راستا، یکی از مصاحبه شونده‌گان با ۲۰ سال سابقه‌ی خدمت می‌گوید:

«من فکر می‌کنم مدت زمان آموزش در هفته یک مقداری حجیم است به ویژه این‌که این مدت برای دوره‌های مختلف هم یکسان است. این حالت برای بچه‌ها سنگین است و بچه‌ها را زده می‌کند. ما می‌بینیم بچه‌ها با علاقه به دبستان می‌روند، اما به تدریج این علاقه کم می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از علت‌هایش برنامه‌های بد و سنگینی است که ما برای آن‌ها اعمال می‌کنیم؛ هم به لحاظ برنامه‌های سالیانه و هم به عنوان برنامه‌های هفتگی و روزانه.»

کمبود فرصت تعامل فراگیران: شیوه‌ی فعلی توزیع زمان آموزش در هفته که بیشتر با ملاک قراردادن مدت لازم را برای آموزش محتوای کتب درسی تعیین شده است، زمان کافی برای تعامل فراگیران، معلم و سایر کارکنان مدرسه با یکدیگر فراهم نمی‌کند. بنابراین، کارکردهایی مانند رشد اجتماعی - عاطفی فراگیران که بستر مناسب آن فعالیت‌های جمعی و گروهی داخل مدرسه است، به گونه‌ای مطلوب به دست نمی‌آید. از دید مصاحبه‌شونده‌گان، بهترین حالت برای ایجاد فرصت تعامل، تمام وقت نمودن مدارس است؛ به این صورت که طول آموزش روزانه را افزایش دهیم و از تعداد روزهای هفته، یک روز کم کنیم. چنین وضعیتی مشکل فشرده‌گی آموزش را نیز حل خواهد کرد که البته نیازمند فراهم بودن امکانات و ملزومات است.

از میان مصاحبه‌شونده‌گان، ۴ نفر (۲۵ درصد) با شیوه‌ی توزیع ساعات در هفته به شکل فعلی موافق بودند مشروط به این‌که مدت زمانی که در مقررات تعیین شده در عمل به طور کامل رعایت گردد. اما ۱۲ نفر (۷۵ درصد) با شیوه‌ی فعلی مخالف بودند و عقیده داشتند این وضعیت فشار زیادی بر دانش آموزان تحمیل می‌کند. البته همگی بیان داشتند که تصمیم‌گیری درباره‌ی توزیع مناسب، وابسته به تحقیقات گسترده و بررسی کلیه‌ی جوانب بوده و دیدگاه‌های دیگر افراد ذیربط، نظیر والدین، دانش آموزان و متخصصان تعلیم و تربیت نیز باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین، باید نتایج به دست آمده از هر نوع تغییر و تحول در این زمینه پیش‌بینی گردد و راهکارهای مقابله با آن سنجیده شود.

۴. بحث و نتیجه گیری

تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده از پژوهش (جدول شماره ۱) نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیر کردن زمان آغاز و پایان آموزش روزانه و سال تحصیلی روشی مناسب برای سازگاری با شرایط متنوع کشور است و می‌تواند به عنوان راهکاری برای کاهش مشکلات، در آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، می‌تواند به تحقق کامل زمان آموزش و کاهش تعطیلات پیش بینی نشده کمک کند. در زمینه‌ی ضرورت انعطاف‌پذیر کردن روز شمار می‌توان به انعطاف در زمان آغاز و پایان آموزش روزانه که در ماده‌ی ۶۶، جلسه ۲۸۹، نظام‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی که در سال ۱۳۱۳ به آن پرداخته شده استناد کرد. چنان‌که در این ماده تصویب شده است، متناسب با دمای هوا در ماه‌های مختلف سال ساعت آغاز و خاتمه آموزش در روز تغییر می‌کند (متولی‌زاده، ۳۱: ۱۳۷۶).

نتایج به دست آمده از پرسش‌های بسته پاسخ که برای پی بردن به ضرورت تغییر در میزان تعطیلات رسمی (ملی - مذهبی) در طول سال تحصیلی مورد استفاده قرار گرفت، نشان داد که در این زمینه مهم‌ترین دلیل برای تغییر به سمت کاهش این‌گونه تعطیلات، ایجاد اخلاص در فرایند آموزش و کاهش طول سال تحصیلی است، که از جانب مدیران بیان شده است. مهم‌ترین علت برای مخالفت با تغییر، اهمیت این‌گونه تعطیلات در تحکیم باورهای مذهبی و رفع خستگی معلم و فراگیر است که به طور عمده از سوی معلمان ابراز شده است. این اظهار نظر معلمان با نتایج به دست آمده، از نظر سنجی مردم تهران (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱) که ۶۲/۵ درصد آن‌ها عقیده داشتند وجود چنین تعطیلاتی در تقویت روحیه‌ی دینی و اسلامی مؤثر است همخوانی دارد. بر خلاف این دیدگاه، داده‌های به دست آمده از مصاحبه نشان داد که نظرات کارشناسان با نظرات مدیران همخوانی بیشتری دارد، به طوری که بیشتر مصاحبه‌شوندگان کاهش این تعطیلات را لازم می‌دانستند.

نتایج به دست آمده از پرسش‌های باز پاسخ که برای پی بردن به ضرورت تغییر در تعطیلات تابستان مورد استفاده قرار گرفت، نشان داد که از نظر همه‌ی مدیران و دبیران، وجود تعطیلات تابستان هم در شهر یزد و هم اصفهان از دید گرمی هوا، ضروری است؛ که این امر از سوی مصاحبه‌شوندگان نیز تأیید شد. اما بخش عمده‌ای از افراد هر سه گروه (مدیران، دبیران، کارشناسان) طول مدت آن را زیاد دانستند و توزیع بخشی از این تعطیلات را در طول سال تحصیلی مناسب تشخیص دادند.

از میان افرادی که خواستار تبدیل سه ماه تعطیلات تابستانی به دو ماه بوده‌اند، پاسخگویان اصفهان، بهترین شیوه را اضافه نمودن یک ماه تعطیلات زمستانی در دی ماه انتخاب کرده‌اند که به دلیل سرد بودن نسبی هوای زمستان در این شهر در مقایسه با یزد توجیه‌پذیر است، ولی پاسخگویان یزد اضافه نمودن یک روز به تعطیلات هفتگی را مناسب دانسته‌اند.

در بررسی میزان ضرورت تغییر در نحوه‌ی توزیع زمان رسمی آموزش، نتایج نشان داد که حدود ۶۰ درصد پاسخگویان شهرهای یزد و اصفهان شیوه‌ی فعلی توزیع زمان آموزش را نامناسب می‌دانند و

حدود ۴۰ درصد با شیوه‌ی فعلی موافق هستند. علت انتخاب روش موجود، شاید به خاطر عادت مدیران و دبیران به رویه‌ی فعلی باشد به ویژه این‌که اغلب پاسخ‌دهندگان از سابقه‌ی بالای ۱۰ سال برخوردار بودند. عامل دیگری که در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد، نگرانی از تغییر و به هم خوردن نظم نسبی موجود بوده است؛ چرا که تغییرات فراوان در آموزش و پرورش و عدم موفقیت برخی از آن‌ها به این نگرانی دامن زده است. افزون بر این، به نظر می‌رسد مدیران و دبیران - برخلاف توضیحات مفصل پژوهشگر - هرگونه تغییر در الگوی فعلی را حمل بر افزایش زمان آموزش و کاهش تعطیلات نموده و از ابراز نظرات واقعی خود اجتناب کرده باشند. گر چه پراکندگی انتخاب‌ها در زمینه‌ی بهترین شیوه‌ی توزیع زمان آموزش، امکان انتخاب یک شیوه را به عنوان بهترین پیشنهاد فراهم نکرد، اما از میان مخالفان وضع موجود در شهر اصفهان و یزد، پرتعدادترین روش، انتخاب ۷ ساعت در روز و ۵ روز آموزش در هفته بوده است. این امر نشان دهنده‌ی این است که از نظر مدیران و دبیران، تراکم آموزش در طول ۶ روز در هفته زیاد بوده و یک روز تعطیلات هفتگی فرصت کافی برای پرداختن به دیگر فعالیت‌ها را فراهم نمی‌کند. داده‌های به دست آمده از مصاحبه نیز مؤید وجود چنین مشکلی است و افزودن یک روز به تعطیلات هفتگی مناسب تشخیص داده شده است. بنابراین، با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و اطلاعات به دست آمده از مطالعات تطبیقی که گویای این است که بیشتر کشورهای دنیا دارای دو روز تعطیلی در هفته هستند، می‌توان استنباط کرد که چنین تغییری در صورت انجام بررسی‌های عمیق‌تر می‌تواند پیشنهاد مناسبی باشد.

در مجموع باید گفت بر خلاف روند غالب در بیشتر کشورهای پیشرفته‌ی دنیا که با برنامه ریزی دقیق و ایجاد تغییر و به ویژه انعطاف در ساختار زمانبندی آموزش در صدد فراهم آوری تمهیدات لازم برای جذب و به کارگیری حداکثر توان و ظرفیت نیروها و امکانات جامعه هستند، متأسفانه نظام آموزش و پرورش در کشور ما با پافشاری بر استمرار سبک زمانبندی موجود، نه تنها از توان و ظرفیت کاری نیروهای خود استفاده‌ی لازم را به عمل نیاورده و در گرایش فزاینده به سمت تعطیلات دخیل بوده است، بلکه اتلاف و اصراف بسیاری از منابع و سرمایه‌های مادی مانند فضا و انرژی را نیز به دنبال داشته است. اگر چه تغییر در روز شمار دشوار و نیازمند سنت‌شکنی است، ولی به دلیل ارزش و اهمیت تأثیری که تغییرات درست و به جا می‌تواند در بهبود عملکرد سیستم آموزشی رسمی و بستر سازی فرهنگ استفاده‌ی بهینه و کامل زمان داشته باشد، پیشنهادهای زیر در این زمینه ارائه می‌گردد:

• اختصاص دفتر ویژه‌ای در وزارت آموزش و پرورش به عنوان مرکزیت مطالعات، تحقیقات و یافته‌های مربوط به زمان‌بندی آموزش و یادگیری، به منظور جلوگیری از ابهام و پراکندگی تصمیمات در زمینه‌ی زمان آموزش که تهیه و تنظیم استانداردهای لازم زمان آموزش برای طول دوره‌ی تحصیلی، طول سال تحصیلی، طول آموزش روزانه و میزان زمان استاندارد برای هر موضوع درسی را بر عهده بگیرد.

• واگذاری اختیارات لازم به مسئولان و کارشناسان یا شوراهای استان‌ها، شهرستان‌ها یا نواحی که از راه انطباق استانداردهای تهیه شده از سوی وزارتخانه، با شرایط و موقعیت‌های ویژه اقلیمی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود به تنظیم و سازماندهی روز شمار تحصیلی اقدام نمایند و تصمیمات لازم در زمینه‌ی شیوه‌ی انعطاف‌پذیری زمان‌بندی و چگونگی نظارت بر حسن اجرای آن را بگیرند. روشن است که چنین روشی از سازگاری مناسب با شرایط جامعه و نیاز گروه‌های مرتبط بهره‌مند است، از بروز وقفه‌های حساب نشده و تعطیلات خارج از نظارت و کنترل جلوگیری می‌کند و از ضمانت اجرایی قوی بر خوردار خواهد شد، از این رو فرایند آموزش به فعالیتی جدی و منظم که در هیچ شرایطی تعطیل بردار نیست تبدیل می‌شود و این امر به نوبه‌ی خود اثرات عمیقی را بر شخصیت دانش‌آموزان و تقویت روحیه‌ی کاری در آنان به جای خواهد گذاشت.

• همان‌گونه که گفته شد، تغییر در روزشمار تحصیلی مشکل است و نیاز به سنت شکنی دارد ولی باید به مدیران آموزشی جسارت داد تا این‌گونه تغییرات را به صورت حساب شده، اعمال نمایند. برای نمونه، این پرسش مطرح است که چرا در همه‌ی فصول سال و همه‌ی شهرها مدارس باید از ساعت ۸ صبح شروع شود. آیا نمی‌شود در فصل گرما مدارس از ساعت ۷ صبح شروع و تا ۱۱ صبح به کار خود ادامه دهند؟ البته این مطلب یک پیشنهاد است که باید با بررسی کارشناسانه، مطلوبیت آن را بررسی نمود. در صورت عملی شدن این پیشنهاد می‌توان حدود نیمی از تعطیلات تابستان کلاس برگزار کرد و به جای آن، در طول سال تحصیلی پنج شنبه‌ها را تعطیل نمود. البته این‌گونه تغییرات باید با هماهنگی و توجیه خانواده‌ها و دیگر سازمان‌ها انجام شود. افزون بر این، با اجرای آزمایشی تغییرات و نوآوری‌ها در تعداد کمی از مدارس باید جوانب آن را به خوبی بررسی کرد چرا که با یافته‌هایی که صرفاً از راه نظرسنجی در یک پژوهش به دست آمده باشد، نمی‌توان به تغییرات اساسی دست زد. از سوی دیگر، این‌گونه تصمیمات باید به صورت غیرمتمرکز و مناسب با شرایط هر استان اتخاذ شود. این‌گونه اقدامات با سنت‌های ملی و مذهبی کشور که مردم فعالیت‌های روزانه خود را از آغاز صبح شروع می‌کردند نیز سازگاری دارد.

یادداشت‌ها

- | | |
|---------------------|------------------|
| 1. Murphy | 2. Meunch |
| 3. Brown | 4. de-massifying |
| 5. Kristel Kammerer | 6. Slattery |
| 7. Brad Ford | 8. Weatherford |
| 9. Gitlin | 10. Pilot study |
| 11. Validity | 12. Reliability |

۱۳. مهمترین اندازه‌ی نسبی پراکندگی است که عبارت است از نسبت انحراف معیار بر میانگین که معمولاً درصد ضرب می‌شود.

14. Hierarchy Analysis

منابع

الف. فارسی

پرداختچی، محمد حسن. (۱۳۷۹). بهسازی و بالندگی سازمانی رویکردی نوین و جامع در مدیریت تغییر. چکیده مقالات همایش تغییر و نوآوری در سازمان و مدیریت آموزشی. تهران: پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت.

تافلر، آلین. (۱۳۶۳). موج سوم. ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر نو.

حسن زاده، ناصرالدین، (۱۹۹۸). ائتلاف در آموزش و پرورش. یونسکو: وزارت آموزش و پرورش.

متولی زاده، محمد. (۱۳۷۶). نظام‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی. دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش.

مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران. (۱۳۸۱). ۷۴ درصد مردم تعداد روزهای تعطیل را به ضرر اقتصاد می‌دانند. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، سال بیست و سوم، ۱۵.

مهر محمدی، محمود. (۱۳۶۸). نارسائی‌های آموزش و پرورش در آمریکا. فصلنامه‌ی تعلیم و تربیت. ۱۷.

نصر و همکاران. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. تهران: انتشارات سازمان سمت و دانشگاه شهید بهشتی.

ب. انگلیسی

Meunch, P. D. (2001). **The Relationship of a Year-Round Elementary School Program to Student Achievement and Student Attendance.** Unpublished Doctoral Dissertation, Saint Louis University.

Slattery, P. (1995). *A Post Modern Vision of Time and Learning: A Response to the National Education Commission Report "Prisoners of Time."* **Journal of Harvard Education-Review.** 65 (4), 612- 624.

Weatherford, T. J. (2001). **Attitudes and Perceptions of School Personel, Parents and Community Members Toward Year-Round School in Maury County (Tennessee).** Unpublished Doctoral Dissertation, Tennessee State University.